



# گونه های مختلف ادبیات شفاهی مردم ترکمن

یوسف قوجوق

آثار ادبی مکتوب بسیار مؤثر بوده است.

فرهنگ عامه را باید در بطن زندگی مردم جست وجو کرد، چرا که فرهنگ در متن زندگی جریان دارد. آنچه «فرهنگ مردم» می نامیم، علاوه بر ادبیات شفاهی، آداب و رسوم و باورهای عامیانه و شیوه کار و زندگی مردم یک جامعه است؛ گرچه بسیاری از محققان، فولکلور را شامل موضوعاتی می دانند که به صورت شفاهی و دهان به دهان نقل شده و سینه به سینه از گذشتگان به آیندگان رسیده است. چنانچه باور داشته باشیم که فرهنگ عامه، مجموعه ای از ارزشها، باورها و چگونگی معیشت مردم در طول تاریخ است که تکامل پیدا کرده و به ما رسیده است، ناگزیر باید برای آن دو جنبه مادی و معنوی قابل شوم.

دربارۀ جنبه مادی فرهنگ مردم ترکمن، می توان به معیشت اولیه آنها (دامداری و کشاورزی) اشاره کرد. در اصطلاح محلی، آنها که دامدار بوده و تن به بیلاق و قشلاق سپرده اند «چاروا» و آنها که یکجانشین و کشاورز بوده اند «چومور» نامیده می شدند. و در این میان، «چومور» ها خیلی پیشتر از «چاروا» های کوچ نشین به صنعت اولیه برای تسهیل در امر کشاورزی و محصول بیشتر دست یافته اند. لذا آداب و مراسم طلب باران - که به آن «سویت غازان» می گویند - هم برای دامداران و هم برای کشاورزان ترکمن از اهمیت زیادی برخوردار بوده است. چرا که سرسبزی مراتع برای دامداران صحرا گرد (چارواها) و نیز تولید محصول بیشتر توسط کشاورزان یکجانشین (چومورها)، هر دو بستگی به آمدن باران داشته است.

در قدیم ترکمنها، غالباً در زندگی روزمره خود، با اسب و شتر، رابطه تنگاتنگی داشته اند و وجود چند رأس اسب و شتر نقشی بسزا در زندگی اقتصاد و اجتماعی آنان ایفا می کرده است. به همین سبب، با حرمت به آنها می نگریستند و آنان را زاینده قدرت های زندگی می دانستند. شتر در صحرای ترکمن و استفاده از آن در عروسی های سنتی به عنوان محمل عروس و کجاوه، باعث شده تا دختران ترکمن نقش شتر کوهان دار را روی تابلوهای دست بافت انداخته و آن را همراه جهیزه خود، به خانه

ادبیات مکتوب مردم ترکمن تقریباً از هشت قرن پیش آغاز می شود و شاعران و سخنورانی بزرگ مانند: وفایی، سیدی، عبدالیپ، کاتبی، صوفی الله یار، دولت محمد آزادی، مختومقلی فراغی، مسکین قلیچ، ملانفس، محمد ولی کمینه و دیگران در بارور کردن آن سهم مهمی داشته اند. اما ادبیات شفاهی این مردم، پیشینه ای بس کهنسال و غنی دارد.

ادبیات مکتوب و شفاهی مردم ترکمن، پیوند تنگاتنگی با هم دارند؛ به طوری که بررسی ادبیات مکتوب و پژوهش در آثار سخنوران و ادیبان ترکمن، بی توجه به ادبیات شفاهی و عامیانه، ناممکن به نظر می رسد. ادبیات شفاهی ترکمن با پیشینه ای هزاران ساله (از زمان پیدایش قوم ترکمن) سرچشمه ای بسیار غنی و ارزشمند برای سخنوران بوده است. به عبارت دیگر، سخنوران هر قومی برای خلق آثار ادبی، از پندارها و باورهای عامیانه مردم خود بهره برده اند.

کهنترین اثری که می توان نمونه هایی از ادبیات شفاهی مردم ترکمن را در آن یافت، دیوان لغات الترک اثر محمود کاشغری است. این کتاب که به زبان قدیم ترکمنی نگاشته شده، سرشار از ضرب المثلها و باورهای قوم اوغوز (اجداد ترکمنها) است. در این اثر ارزشمند، ضرب المثلهایی وجود دارد که پس از گذشت سالها، هنوز هم مردم ترکمن کمابیش آنها را به کار می برند.

کتاب ارزشمند دیگری که درباره فولکلور این قوم اطلاعاتی درخور توجه دارد و پیشینه آن را نشان می دهد، دست نوشته های «اورخون - یینی سئی» است.

فولکلور دو قوم ترک و ترکمن را به خاطر داشتن ریشه های تاریخی، می توان معیار و حجتی برای پیشرفت صنایع ادبی و هنری این مردم دانست. در زمانهای دور که هنوز خواندن و نوشتن بین مردم متداول نشده بود، ترانه های عامیانه تنها وسیله انتقال شادیاها، حسرتها و دردها و باورهای مردم به شمار می آمد. با پژوهش در ترانه ها و سروده های عامیانه که در طول سالها و سده ها سینه به سینه نقل شده و به ما رسیده است، شیوه ها و شگردهای ادبی بسیاری را می توان دید که در ایجاد و تکامل



با هم دارند و یکسو نگری در این زمینه راهی است به خطا، مجال کوتاه این مقاله ما را بر آن می‌دارد که تنها به آن وجه از فرهنگ مردم ترکمن اشاره کنیم که دهن به دهن و سینه به سینه از گذشتگان به ما رسیده است.

گونه‌های مختلف ادبیات شفاهی مردم ترکمن به قرار زیر است:

#### ۱- قوشنی

الف. لاله

ب. هودی

ج. توی آیدیملاری

د. شعرهای مذهبی - دینی

ه. سانا و اچلار

و. مونجوق آتدیلار

#### ۲- دوزگی

الف. ناقلیلار و آتالار سۆزی

ب. ماتال

ج. دگیشمه‌لر

د. یانگلیتماچ لار

#### ۳- ارته کی لار

#### ۱- قوشنی [Qosqi]

ترانه‌هایی است ساده و بی تکلف و برگرفته از طبیعت که در قالبهای موزون هجایی سروده شده و مردم ترکمن آن را سینه به سینه حفظ و نقل کرده‌اند و گونه‌های مختلف آن عبارت است از:

شوهر بیاورند. در نقش و نگارهای عامیانه، پیوستگی نقشها در ارتباط با مسایل زندگی و حیات مردم ترکمن به چند مورد خلاصه نمی‌شود. اهمیت و ارزش قوج به عنوان وسیله‌ای برای رفع بخشی از نیازهای روزمره و نیز تأثیر آشکار آن در باروری و تکثیر گله باعث شده تا نقش شاخ‌های او را در نمدهای پشمی ببینیم. شاخ قوج به عنوان سمبل شجاعت و جوانمردی در سرستون‌ها و نیز بالای بام‌خانه‌ها نشان از اهمیت این حیوان در زندگی ترکمنان دارد. نیز بر سطح سنگ قبرهای به جا مانده از قدیم، شاخ قوج‌هایی کنده کاری شده است با این باور که صاحب این قبر، چون قوج شجاع و جوانمرد بوده و زندگی او سرشار از برکت بوده است.

از این گذشته در برپایی آداب و رسوم، هر کلام و هر شیئی و وسیله‌ای مفهوم و هدفی خاص دارد. برای نمونه در بین ترکمنها رسم بر این بوده و هست که پس از غسل میت و خواندن نماز براو به جماعت، میت را در قبر می‌گذارند و جواب‌هایی که وی باید به نکیر و منکر بدهد را در کاغذی نوشته و بالای سرش، به دیواره قبر می‌آویزند با این باور که آن نوشته در پاسخ به پرسشهای نکیر و منکر وی را یاری خواهد کرد. نیز در مراسم عروسی، به هنگام قرائت خطبه عقد و نکاح توسط روحانی، از ابزار و وسایلی سخن به میان می‌آید که هر یک معنا و مفهومی نمادین دارند یکی از این آداب، قیچی زدن است. به این ترتیب که در چهار گوشه خارجی خانه‌ای که نکاح در آن جاری می‌شود چهار زن قیچی به دست می‌ایستند و پره‌های قیچی را به هم می‌زنند، با این باور که دم شیطانی که قصد ورود به مراسم را دارد، بریده و زندگی عروس و داماد، بی حضور شیطان رجیم شروع شود و در این میان، نباید کسی به دیوار خانه نزدیک شود و به آن تکیه بدهد. همچنین وقتی عروس را به خانه داماد می‌آورند، مادر داماد یک مشت آرد سفید روی چاشو (روسری مخصوص عروس) می‌ریزد یا این باور که عروسش خوش یمن و سفید بخت باشد و روشنائی را به خانه‌شان بیاورد.

اگرچه جنبه‌های مادی و معنوی فرهنگ عامه پیوند تنگاتنگی



از ایل و دوستان و دعوت به اخلاق پسندیده. معروفترین «لأله» در میان دختران ترکمن، «لأله» ای است که با این بند آغاز می شود:

چونگقور قویا داش آتسانگ  
چو مرگیدر اجه جان!  
یاد ایل لره قیز بر سه نگ  
ییتر گیدر اجه جان!

Cunqur quia dasatsang  
Cumer gider eje jan  
Iad illere qiz berseng  
Iter gider eje jan

اگر در چاهی ژرف، سنگی بیندازی  
گم خواهد شد، مادر جان!  
و گر به جایی دور، دختر بدهی  
گم خواهد شد مادر جان!

در این ترانه ها، از نظام بسته ای - که حق انتخاب را از دختران دریغ می کرده انتقاد شده است. در این ترانه ها، دختران و نوعروسان در غربت آرزوهای خود را - با الهام از طبیعت - این چنین صادقانه بیان کرده اند:

آق قوش بولوپ اوچسامدیم  
اؤز ایلیمه بارسامدیم

الف. لأله [Lale]: ترانه ای است که دختران و نوعروسان ترکمن در طول تاریخ سروده اند و دارای مضامین اجتماعی، غنایی و گاه سیاسی است. بنا به روایات، «لأله» نام دختری است که تعصبات قبیله ای، او را از معشوق خود دور افکنده، وی این نغمه ها را در فراق یاران و ایل خود سروده است.


هر بند از ترانه «لأله» چهار مصراع هفت هجایی دارد که معنای اصلی هر بند در دو مصراع آخر نهفته است. مصراع اول: دوم و چهارم مقفی و مصراع سوم بدون قافیه است (الف - الف - ب - الف):

آق دیر منینگ بیله گیم  
الله دان کوپ دیله گیم  
قارانگلی تام ایچینده  
یاریلدی دا یوره گیم

Aqdir menig bilegim  
Alla dan kop dilegim  
Qaranki tam icinde  
Iarilidida iuregim

دستهای منیدم را  
رو به درگاه خدا برمی آورم  
زیرا که درین سیاه چادرها  
دل دیوانه وار می تپد.

بیشتر این ترانه ها، بازتابی است از زندگی روزمره دختران و زنان ترکمن، وقایع بزرگ تاریخی، عشق به زندگی، درد جدایی



اۆز ایل مینگ سوویندان  
یا تیپ-یا تیپ ایچم دیم

Aq qus bolup ucsamdım  
Oz ilime barsamdım  
Oz ilimning suvundan  
latip -latip lsemdim

کاش پرنده ای سپید بودم  
و به سوی ایل خود پرمی گشودم  
و از رودش، سرمست  
می نوشیدم و سیراب می شدم.

این ترانه ها، بنا به چگونگی اجرا و خواندن، نامهای مختلفی دارند: آیاق لاله (لاله با پا)، داماق لاله (لاله با گلو)، دوداق لاله (لاله با لب)، اگین لاله یا «هم میل» لاله (لاله با لباس). در جمهوری ترکمنستان، لاله خوانی بیشتر به صورت «داماق لاله» (لاله خوانی با گلو) اجرا می شود و دختران، همنوا با هم، ضمن خواندن بندها، آرام به گلویشان می زنند. در ایران، اغلب دختران ترکمن، به روش ساده (بدون حرکت دست و پا) دور هم جمع می شوند و زیر نور مهتاب، این ترانه ها را می خوانند.

آسماندا کی نر بولوت!  
سانگا عاشق یر، بولوت!  
آسماندا ایشینگ نامه؟

Amandaki nep bulut  
Sanga Asiq ler bulut  
Amanda ising name  
Iere dokiang der bulut

ای ابرهای تار نرینه!  
زمین شیفته شماست  
در آسمان به چه کاری هستید  
که عرق پیشانی تان  
بر خاک می چکد؟

اگر ترانه های «لاگه» را با معیارهای ادبی بسنجیم، عناصر شعری و آرایشهای ادبی فراوانی را (همچون تشبیه، استعاره، تشخیص، ایهام و...) در آنها می بینیم. شگفتا که این سروده های شاعرانه و زیبا از دخترانی که در صحرا پرورش یافته و در آلاچیقهای نمدی با آن همه دشواری زیسته اند، به یادگار مانده است.

اگرچه اکنون دیگر از آن سختگیرها و تنگ نظریهای قبیله ای اثری باقی نمانده، اما تأثیر این ترانه ها همچنان باقی است و گاه نیز دختران و نوجوانان مضامین جدیدی در این قالب می سرایند و با هم زیر مهتاب می خوانند.

ب. هودی [hudy]

لالایی را در زبان ترکمنی، «هودی» می گویند. به نظر می رسد که این کلمه ترکیبی از دو جزء «هو» و «دی» باشد. «هو» اشاره به خدا دارد و «دی» فعل امر از مصدر «دیمک» [dimek] (یعنی گفتن) است. پس ترکیب «هودی» در زبان ترکمنی به معنای «بگو هو» است. از طرف دیگر، لالایی ترکمنی سروده هایی است که در مصراع اول آن کلمه «الله» و یا کلمه آلای [allay] که تغییر یافته «الله» است، تکرار می شود. همچنین گاهی نیز مصراع اول را به صورت «هودی، هودی، هودی، هو» می آورند. در واقع، مادران ترکمن، با تکرار نام خدا در گوش فرزندانشان، به آنها آرامش و اطمینانی معنوی می بخشند.

در گذشته، زنان ترکمن زیر سقف آلاچیقهای نمدی، کارهای زیادی را انجام می دادند، مانند: شستن لباس، آماده کردن خمیر، پختن نان و بافتن قالی. آنها در کنار همه این کارها، با جیباندن گهواره - که ساللانچاق [sallançaq] خوانده می شود - به آهنگی گرم لالایی ها را زمزمه می کردند. در لالایی ترکمن، امیدها و آرزوهای زیادی نهفته است که گاه با وصف طبیعت زیبای صحرا درمی آمیزد:

باز  
باز  
باز  
باز

الله الله الله يار

داغلارا يا غيپ دير غار

داغينگ غارى اريسين

مينيگ بالليم يوريسين

Alla, alla, allaiair

Daqlara iaqlpdir qar

Daqing qari erisin

Mening ballim iorisin

آرام بخواب نازنينم!

که برکوه برف باریده است.

الهی که برفها آب شوند و

تو نیز - مانند آنها - به راه بیفتی!

... در بعضی بندها نیز به مانند مثنوی مصراعهای اول با دوم  
سوم با چهارم همقافیه اند ( الف - الف - ب - ب - ب ):

آلای، آلای، آق بابه ک

ساللانچاق دا، یات بابه ک

انه نگ قویون ساغیانچا

دده نگ اوجاق قازیانچا

Allay, Allay, Aq babek

Sallancaqda iat babek

Eneng qoiun saqiaca

Dadeng Ojaq qazianca

آسوده بخواب فرزند زیبایم

در گهواره ات:

تا مادرت گوسفند را بدوشد

و پدرت اجاقی برپا کند.

هر بند «هودی» چهار مصراع هفت هجایی دارد و اغلب،

مصراع اول و دوم و چهارم، همقافیه اند ( الف - الف - ب - الف ):

آلای، آلای، آلایین

دده نگي مگه يوللاين

دده نگ مگه دن گلسه

کعبه يوزوک پایلاين

گاهی نیز سه مصراع اول و دوم و چهارم به صورت مردف آمده  
و کلمه ای عیناً تکرار می شود:

هودی، هودی، هو، بالام

ال يوزونگي يوه، بالام

يونيپ آقجا بولسانگ

بولارمينگ آق قوه، بالام

Allay, allay, allain

Dadengi mekga iollain

Dadeng mekgeden gelse

Kabe iuzuk pallain

Hudy, hudy, hu balam

Ei, luzungi iu balam

Iuvinip Aqja bolsang

Bolarsing aq qu balam

آسوده بخواب نازنينم!

که پدرت به مکه خواهد رفت

و آن هنگام که برگردد

سوغات او به مردم انگشتری خواهد بود.

آسوده بخواب نازنينم!

دست و رویت را همیشه بشوی

تا سپید و پاکیزه

همچون قویی زیبا گردی!

در بعضی بندها نیز سه مصراع اول مقفی و مصراع چهارم آزاد

است ( الف - الف - الف - ب ):

آلای بالليم ياشيندا

ياشيل بۇرۇك ياشيندا

آقاسى اۇي نينگ دوشيندا

آق اۇي تيكينگ باليما

ج. توی آیدیملاری [ toy Aidimlary ]

ترانه هایی است که در مراسم عقد وقتی دست عروس را در

دست داماد می گذارند، یکی از زنان خطاب به داماد می خواند:

Allay, ballim iasinda

lasil boruk basinda

Aqasy Oining dusinda

Aq Oi tiking ballima

آق - گوک گیدیرمه

آریا چورک ئیدیرمه

آغیزلا قابدیرما

تویناقلا دپدیرمه...

آسوده بخواب نازنينم!

که عرقچين سبزی به سرداری؛

کنارخانه برادرش

آلاچیق زیبایى برپا کنید!

Aq -gok geidir me

Arpa corek idirme

Aqizla qapdirma

۱۲۷ toinaqla depdirme

Esselem Eleikum latan Klaller  
Kirpigin Kirpigne qatan Klaller  
Ruza tutup, namaz okan klaller  
Mukhammed ummatina la "Iarimezan"

پیراهن خشن بر همسرت میپوشان  
نان جوین به او مده  
مگذار به او سخن درشتی گویند  
مگذار او را بیبازارند...

سلام بر خفتگان!  
آنها که مژه هایشان در هم گره خورده است  
روژه می گیرند و نماز می گزارند;  
«یا رمضان» موجب رستگاری امت محمد (ص) است.

و بعد از خواندن این ترانه، به داماد می گوید:

گلینی سانگا تا پشیردیم  
سه نی خدا یا تا پشیردیم

«یا رمضان» آبی گلرده - گچر  
آینگ اون دوردونه یالقیمین سچر  
آتینی ایرلاپ، مینیب ده قاچار  
محمد اوماتینا یا «یا رمضان»

Gelliny sanga tapsairdim  
seny KHudala tapsairdim

عروس را به تو سپردم،  
ترا نیز به خدا.

"Iarimezan" aii gelerde - gecer  
Ailing ondordune lalqimin secer  
Atini elertap, minipde qacar  
Mukhammed ummatina la "Iarimezan"

«یا رمضان» می آید و می گذرد  
در شب چاردهم نورافشانی می کند  
سپس اسبش را زین می کند و تا سال دگر می تازد  
«یا رمضان» موجب رستگاری امت محمد (ص) است.

قایرادا بیر قاورین بار، قاقی اوزین  
ایلرده بیرتوت بار، کؤکی اوزین  
خداییم بیر اوغول برسین یاش اوزین  
محمد اوماتینا یا «یا رمضان»

Galrada bir qavun bar qeqi uzin  
llerde bir tut bar koki uzin  
KHudallm, bir oqul bersin iaa uzin  
MuKhammed ummatina la "Iarimezam"

در شمال، خربزه ای است با برگهای دراز  
در جنوب، درخت توتی است با ریشه های عمیق  
خداوندا مرا پسری ده با عمری بلند!  
«یا رمضان» موجب رستگاری امت محمد (ص) است.

«یا رمضان» آیدا آیدا گلدیک سیزه

د. شعرهای مذهبی و دینی  
یکی از مراسم دینی ترکمنها، «یا رمضان» است. مراسم دعای  
«یا رمضان»، در چاردهم ماه مبارک رمضان به شکرانه نعمتهای  
خداوندی انجام می گیرد. («یا رمضان» مخفف «یاری رمضان»  
به معنای «نیمة رمضان» است)  
در این شب، پس از برپایی نماز «تراویح» مردها دسته دسته  
از جلوی مسجد راه می افتند و به هر خانه ای که می رسند،  
سرگروه آنها دعا می خوانند و دسته با صدای بلند «آلاو»  
می گویند («آلاو» به احتمال زیاد، مخفف «الله هو» است).  
پس از آن، شخصی که «اشک» نامیده می شود جلو می رود و  
صاحب خانه چیزی مانند آرد، پول و... به عنوان نذری به او  
می دهد. آن شب، در تمام خانه ها به روی این دسته ها باز است.  
هر دسته پس از اینکه به تمام خانه ها سرزد و نذری گرفت،  
به مسجد برمی گردد و آنچه را گرد آمده بین نیازمندان تقسیم می  
کند.

هر بند از این دعاها، چهار مصراع و هر مصراع یازده هجا دارد  
و مصراع چهارم هر بند، در تمام بندها، عیناً تکرار می شود:

السلام علیکم یاتان کیشی لر  
کیریگین کیریگنه قاتان کیشی لر  
روژه توتوب، نماز اوقان کیشی لر  
محمد اوماتینا یا «یا رمضان»

بسم الله الرحمن الرحیم



Az berenler al havada qailar  
Bemedikler sol seratda tailar  
Mukhammed ummatina ia "larimezan"

زکات باعث افزونی مال است  
آن که از زکات بکاهد، در هوا معلق خواهد ماند  
و آن که ندهد، بر پل صراط خواهد لغزید؛  
«یا رمضان» موجب رستگاری امت محمد (ص) است.

هـ. ساناواج لار [Sanavaclar]

ترانه هایی است که اغلب دختران ترکمن به صورت مکالمه  
می خوانند. از مشهورترین این نوع ترانه ها، دو نمونه زیر است:  
الف: آنتی قویون باش گچی  
هانی مونونگ ار کیچی؟

A. Alti qo iun bas gecı  
Hani munung erkijı?

الف: پنج گوسفند و شش بز

"larimezan" aida aida geldik size

"larimezan" zekatini bering bize

Qol bering, qoc bering hairli cize

Mukhammed ummatina ia "larimezan"

«یا رمضان» گویان به در سرایتان آمدیم  
زکات «یا رمضان» را به ما بدهید  
قوج یا گوسفند، خیر و برکت است بر شما!  
«یا رمضان» موجب رستگاری امت محمد (ص) است.

کۆپ برنلر، کۆپ لیگین دن بائیبار  
آز برنلر، آل هوادا قائیبار  
برمه دیک لر، شول صراط دا تائیبار  
محمد او ماتیبا یا «یا رمضان»

Kop berenler Kopliginden ballar





پس قوچ آنها کجاست؟  
بنا ارکیچی داغدا قالدی،  
های های لادیم گلمه دی،  
آریا برسم ایمه دی  
چیگیت بردیم دویمادی

B. Erkiñi daqda qaldı.  
Hai-hai ladim gelmedi  
Arpa bersem imedi  
cigit berdim doimadi

قوچ آنها در کوه ماند،  
های و هو کردم، نیامد  
جو دادم، نخورد،  
تخمه دادم، سیر نشد.

الف: بۆکۆشه لی، بۆکۆشه لی

A. Bokuseili, bokuseili

این سو و آن سو بدویم

ب: ساری قاوون اکیشه لی

Sari qavun ekiseili

خریزه های زرد بکاریم

الف: ساری قاوون بیشیب دیر

Sari qavun bisipdir

خریزه ها رسیدند

ب: ساپاغین دان دوشوپ دیر

Sapaqindan dusundir

و از بوته کنده شدند.

یاغشی - یامان  
یویه کآ

1. Araq-Maraq  
laqisi-laman  
lupek

آپاق - ماپاق  
نیکی - بدی  
ابریشم!

نوعی دیگر از این نوع ترانه وجود دارد که برای یارگیری و  
تعیین نوبت بازی بین دو گروه از دختران خواننده  
می شود. (کلماتی که در این نوع ترانه ها وجود دارد، اغلب معنای  
خاصی ندارند و فقط به خاطر سجعشان خوانده می شوند.):  
۱. آپاق - ماپاق

۲. حالالانگ - چاپانگ  
گوله لنگ - گویه نگ  
یاریل - بؤوسیل  
تور - سن - چیق!

سن اوندان چیق، من موندان  
کور بولسون دوشمانیمیز.

Tamimiza, tamimiz  
Qosadir eivanimiz  
Sen Ondan ciq, men mundan-  
Kor bolsun dusmanimiz

2. Halalang- haptang  
Guleleng- Gubbeng  
iaril- bovsil  
Tur-sen-ciq

خانه ای زیبا داریم  
با ایوانی بزرگ و قشنگ  
تو از آن سویا، من از این سو  
تا چشم حسود از شادی ما کور شود!

۲. حالالانگ - چاپانگ  
گوله لنگ - گویه نگ  
نصف شو - باز شو  
برخیز - تو - بیرون روا!

۲. دوزگی [Duzgi]

نوعی از ادبیات شفاهی است که با وجود داشتن وزن و سجع، حالت ترانه ندارد و بیشتر جنبه آموزشی دارد و برای پر کردن اوقات فراغت بچه ها به کار می رود. انواع «دوزگی» عبارت است از:

و. مونجوق آتدیلا [Munjuq Atdilar]

ترانه ای است ساده و ملهم از طبیعت که بندهایی چهار مصرعی دارد که هر مصراع آن، مانند دیگر ترانه های ترکمن، دارای هفت هجاست. این ترانه از نظر قالب و آهنگ، مانند ترانه «لاگه» است و تفاوت عمده اش در این است که دختران، این ترانه را همراه با یک نوع بازی می خوانند:

الف: ناقیل لار و آتالار سؤزی [Naqillar ve Atalar sozi]

جملاتی کوتاه به نظم یا به نثر است که غالباً در بردارنده پندها و دستوره های اخلاقی و اجتماعی است. ضرب المثلها، با وجود کوتاهی لفظ و سادگی و روانی، شنونده را به فکر وامی دارند. این نوع کلام، از لطایف علم بدیع شمرده می شود؛ بدین صورت که گوینده در سخن و یا شاعر در کلام خود، سخنی می آورد که بسیار پرنفوذ افتد و رایج گردد و به مناسبت های مختلف به آن استناد شود.

نوروز گلدی، یاز گلدی،  
قارغا گیتدی، غاز گلدی،  
آی اوتوران آداملارا  
بیلبل دن آواز گلدی

نمونه هایی از ضرب المثل های رایج بین ترکمنها را می آوریم:  
■ داش بیلن اورانی، آس بیلن اور

Nouruz geldi, laz geldi  
Qarqa gitdi, qaz geldi  
Al oturan adamlar  
Bilbilden avaz geldi

Das bilen urani, as bilen ur

اگر با سنگت زد، با برنجش بز!

نوروز آمد، بهار رسید  
کلاغ رفت و غاز آمد  
آی آدمها!  
بیلبلن در حال نغمه سرایی اند

■ قارا کچه آق بولماز، کونه دوشمان دوس.  
Qarakece aq bolmaz, Kone dusman dos  
نمد سیاه، سفید نمی شود و دشمن دیرین، دوست!

■ تیغ یاراسی بیتره، دیل یاراسی بیتمز

تامیمیزا، تامیمیز  
قوشادیر ایوانیمیز

۱۳۱ tiq iarasi iiter, dil iaraci litmez

زخم شمشیر می رود، اما زخم زبان هرگز!

■ آغاچ ایمیشین دن بللی، آدام قیلیمیشین دان

Aqac imisinden belli, adam qilimsindan

درخت را از میوه اش می شناسند و آدم را از کارهایش.

■ بیقیلان گوروش دن دویماز

liklan goresden doimaz.

بازنده هرگز از مسابقه دادن سیر نمی شود!

■ باتیر بیر اؤلر، غورقان مونگ اؤلر

Batir bir oler, qorkan mung oler

آدم شجاع یک بار می میرد، اما ترسو هزار بار!

■ آیاقددا بولاندان، آغیزدا بول

Alaqda bolandan, aqizda bol.

به جای اینکه زیر دست و پای مردم باشی، توی دهان مردم باش!

ب. ماتال [Matal]

چیتستان را در زبان ترکمنی «ماتال» می گویند. «ماتال» ها اغلب موزونند و جنبه آموزشی دارند. چند نمونه از چیتستانهای ترکمنی را در زیر می آوریم:

■ یری آق، تخمی قارا

ال بیلن اکرلر، دیل بیلن اوزا رلار

leri aq, tokhmi qara

El bilen ekerler, dil bilen orarlar

زمینش سید و بذرش سیاه  
با دست می کارند، با زبان می دروند.

[پاسخ: نامه]

■ ایکی غولاق باشیندا

اون اوچ قوشاق بیلین ده

خلایق لار داشیندا

شادی خرم دیلین ده

iki qulaq'basında

On uc qusaq bilinde

Khalaiqlar dasında

Sadi - Khorram dilinde

دو گوشش بر سر

سیزده بندش بر کمر

خلایق بر گرد او

و آوایش شاد و شیرین

[پاسخ: دوتار]

■ بیر آغاچدا باش آلما

ایکی سینه گون دوشوپ!

Bir aqacda bas alma

iki saine gundusun

بر درختی پنج سیب

آفتاب افتاده بر دو سیب

[پاسخ: نمازهای پنج گانه]

ج. دگیشمه لر [Degişmeleer]

ترکمنها برای گذراندن اوقات فراغت خود، حرفهایی به صورت کنایه و آمیخته با طنز، به شکل سؤال و جواب به هم می زنند. نمونه هایی از این نوع شوخ طبعیهای تفتنی را در زیر می آوریم:

الف: بوغازینگ ناهیلی؟

A. Boqazing nahill?

الف: گلویت به چه ماند؟

ب: چویانینگ تویتوگی یالی!

B. Copaning tuitugl iali.

ب: به نی هفت بند چویان!

الف: مورتونگ ناهیلی؟

Murtung nahill?

الف: سییلت به چه ماند؟

ب: ازیلن حورازینگ قویروغی یالی!

B. Ezilen horazing quruqi iali

ب: به دم خروس خیس شده!

د. یانگیلتماچ لار [tangiltmaclar]

به جمله هایی می گویند که برای بهتر شدن مهارت زبانی بچه ها به کار می رود و در حقیقت نوعی بازی کلامی است. در این نوع جملات، برای آزمودن مهارت زبانی مخاطب، اغلب



ایزیندان منه م یار ماشما قچی بولدوم  
Izindan menem iarasmaqci boldum.

خرگوشی خواست خود را به رودخانه بیاویزد  
بعد از او من هم خواستم خود را به رودخانه بیاویزم!

۳. ارته کی لر [Ertékiler]

افسانه را در زبان ترکمنی «ارته کی» می گویند. افسانه های این مردم از زمانهای خیلی دور، دهن به دهن و سینه به سینه نقل شده و هم اکنون نیز بین مردم رایج است. از مهمترین و مشهورترین این افسانه ها، می توان به «کییک جیک» (گوزن کوچولو) «غورقاق کریم» (کریم ترسو)، «دانا شاهیر» (شاعر دانا) و «شامار» (شاه یار) اشاره کرد.

از کلماتی استفاده می شود که دارای چندین حرف نزدیک به هم باشد (مثل ش-س، ج-چ). آزمایش کنندگان از مخاطب می خواهد تا حداقل سه بار سریع و بدون وقفه، آن جمله را تکرار کند. در این مواقع اگر مخاطب تسلط کافی بر ادای آن جمله نداشته باشد، آن را طوری می گوید که باعث خنده دیگران می شود. دو نمونه از این نوع جملات را در زیر می آوریم:

■ بیرجه چمچه، شورجا سرجه چوربای

Birje cemce, aorja serce cemce

ملاقاتی شوزبای شور از گوشت گنجشک

■ بیر تاوشان یاپا یار ماشما قچی بولدی

Bir tavşan iapa iarasmaqci boldi